

استنتاج اخلاق از دین

سید احمد فاطمی تبار^۱

چکیده

یکی از مباحث مهم در مبانی اخلاق، ارتباط و تعامل میان اخلاق و دین است. این ارتباط در مواردی اهمیت می‌یابد که مسائل مشترکی مطرح می‌شود که اخلاق و دین با دو رویکرد به آن می‌پردازند. مفاهیم جدیدی مانند اخلاق سکولار نتیجه‌ی جداکردن دین و اخلاق بوده است. یکی از دیدگاه‌های معروف در ارتباط اخلاق و دین، دیدگاه «استنتاج اخلاق از دین» یا «نظریه فرمان الهی» است که در این مقاله به طرح و بررسی آن می‌پردازیم.

برای جمع‌آوری منابع اسلامی موجود از کتب موجود در کتابخانه‌ی موزه‌ی ملی تاریخ علوم پزشکی تهران و موتورهای جست‌وجوگر سایت‌هایی مانند Google و Yahoo با بهره‌گیری از کلیدواژه‌های « اخلاق و دین»، «اسلام» و «نظریه فرمان الهی» بهره‌گرفتیم.

با نگاهی گذرا به تاریخ بشر، اتحاد هنجارهای اخلاقی با دستورات دینی در بسیاری از جوامع مشهود است.

گفتمان اشاعره و معتزله در زمینه‌ی حسن و قبح عقلی افعال از سابقه‌ی دیرین این مسأله در جوامع اسلامی حکایت دارد. نیاز اخلاق به دین می‌تواند مبنایی یا محتوایی باشد. در ارتباط مبنایی می‌توان از غایات مشترک دین و اخلاق و نیازهای اخلاق به دین نام برد. هدف غایی دین و اخلاق، اصلاح طلب رساندن انسان به کمال واقعی است. اما عقل عرفی در تشخیص ارزش‌های اخلاقی دارای محدودیت‌های ذاتی است و برای رفع آن‌ها نیازمند راهنمایی‌های دین. بر این مبنا رابطه‌ی اخلاق با دین رابطه‌ی ارگانیکی است، مثل رابطه‌ی تنه با درخت (مبادی تصویری). از طرفی دین درحوزه‌ی گزاره‌های اخلاقی نیز پشتوانه و تبیین‌گر صدق آن‌هاست (مبادی تصدیقی).

انسان برای انجام کارهای اخلاقی و اجتناب از کارهای ضد اخلاقی نیازمند تشویق و تنبیه است و دین بهترین وعده‌ها و بدترین وعیدها را به انسان عرضه می‌دارد که خود ضامن اجرای اخلاق است. با رویکرد منطقی (محتوایی)، دو دیدگاه اشاعره و معتزله در «استنتاج اخلاق از دین» وجود دارند. اشاعره قایل به تبعیت اخلاق از دین در همه مواردند و حسن و قبح ذاتی افعال را نمی‌پذیرند، اما معتزله مستقلات عقلیه را پذیرفته و در این حوزه قایل به استقلال اخلاق از دین اند.

در نتیجه، نظریه‌ی «استنتاج اخلاق از دین» را می‌توان از ابعاد مختلف بررسی کرد. اهداف مشترک باعث پشتیبانی این دو پدیده از یکدیگر می‌شوند. اخلاق مبتنی بر عقل غیر از حوزه‌ی مستقلات عقلیه نیازمند راهنمایی دین است تا فقر ذاتی خویش را در ادراک مفاهیم واقعی اخلاق جبران کند. تأیید دین بر مفاهیم منتج از اخلاق عرفی نوعی ضمانت اجرائی است که با وعده و وعیدهای دین کامل شده، تحقق اجتماعی می‌یابد. از دیدگاه گزاره‌ای نیز میان متکلمان اسلامی (اشاعره و معتزله) اختلاف نظر است.

واژگان کلیدی: اخلاق و دین، اسلام، نظریه فرمان الهی، استنتاج اخلاق از دین

^۱- استادیار، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی و دانشکده‌ی دندان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

نشانی: تهران، بولوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۲۱، طبقه چهارم، تلفن: ۰۹۱۲۳۰۳۷۲۳۲، Email: Fatemisa@tums.ac.ir

مقدمه

یکی از مباحث مهم در مبانی اخلاق، ارتباط و تعامل میان اخلاق و دین است. این ارتباط به ویژه در مواردی اهمیت می‌یابد که مسائل مستحدثه و مشترکی مطرح می‌شوند که اخلاق و دین با دو رویکرد به آن می‌پردازند. از یک طرف اخلاق با مبنای عقل عرفی، استنتاجات اخلاقی دارد و از طرفی نص صریح دین، حکمی اخلاقی ارائه می‌دهد. مبانی مطرح در اخلاق پزشکی اسلامی با لحاظ الزامات اخلاقی دینی راهکارهایی برای حل مشکلات اخلاقی ارائه می‌کنند اما در اخلاق پزشکی غربی، استنتاجات عقل و وجدان عرفی مبنای تصمیم‌سازی‌های اخلاقی‌اند. گاهی با این دو رویکرد گزاره‌های اخلاقی متفاوت و شاید متضاد در قضیه واحد اخلاقی به دست می‌آیند که متدینین را با گزاره‌های متفاوت دینی و اخلاقی مواجه می‌سازند. مفاهیم جدیدی مانند اخلاق سکولار نتیجه‌ی جداکردن دین و اخلاق بوده است، به طوری که امروزه در غرب «اخلاق منهای دین» مطرح می‌شود درحالی‌که در اروپا تا قبل از رنسانس، دستورات اخلاقی از کتاب مقدس استخراج می‌شد.

در دین اسلام اخلاق تا آن حد ارزشمند است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هدف از بعثت خود را «اتمام مکارم اخلاق» می‌داند (انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) (۱). با اندک تاملی در مفاهیم متعالی اسلام، ارتباط تنگاتنگ اخلاق و دین آشکار است و صبغه‌ی اخلاقی در بسیاری از گزاره‌های دینی ذاتاً ملحوظ است. یکی از دیدگاه‌های معروف در ارتباط اخلاق و دین، دیدگاه «استنتاج اخلاق از دین» است.

یکی از اسلام‌شناسان معروف به نام روبن لوی در کتاب خود می‌گوید: «تعملیات اخلاقی اسلام جزء لازم و لاینفک از مجموعه قوانین علمی اسلام است و این مجموعه طرح شده است تا مؤمن راستین را به راهی رهنمود شود که باید طی کنند تا بتوانند رضای الهی یا پاداش بهشت را دریابند» (۲).

جفری پریندر نیز که متخصص در مطالعات تطبیقی ادیان

است، در فصل اول کتاب خود، آن‌جا که از اسلام بحث می‌کند، می‌نویسد: «اسلام، اخلاق را جزئی از دین می‌داند.» (۳)

در این مقاله به طرح و بررسی دیدگاه «استنتاج اخلاق از دین» یا «نظریه فرمان الهی» می‌پردازیم.

روش کار

برای جمع‌آوری منابع اسلامی موجود از کتب موجود در کتابخانه‌ی موزه‌ی ملی تاریخ علوم پزشکی تهران و موتورهای جست‌وجوگر سایت‌هایی مانند Google و Yahoo استفاده شد. از کلیدواژه‌های اخلاق و دین، «نظریه فرمان الهی» و اسلام برای جمع‌آوری مقالات و سایر منابع مرتبط بهره گرفتیم.

بحث

تاریخچه‌ی بحث

از آن زمانی که آدمی قدم به عرصه زندگی گذاشته، خود را در کنار دین و اخلاق یافته است که در طول حیات عملی با او بوده و هست. اما در نظر و اندیشه‌ورزی، این دو گاه همراه بوده‌اند و گاه رقیب هم، زمانی اخلاق از دین اثر پذیرفته و زمانی دیگر دین از اخلاق (۴).

با نگاهی گذرا به سنت‌های تاریخی حیات بشری، هم‌سازی و هم‌سانی و اتحاد معیارها و هنجارهای اخلاقی با دستورات دینی در بسیاری از ممالک مشهود است. تعابیر اخلاق اسلامی، یهودی، مسیحی، هندویی و مانند این‌ها، گواه بر این مطلب است. گاه پیوستگی عمیق میان این دو پدیده، محققان را از تفکیک تفکر اخلاقی از دیگر ابعاد حیات دینی غافل ساخته است.

مباحث متفکران یونان و روم باستان، هم‌چون سقراط و افلاطون، مبنی بر استقلال آن دو پدیده و تکامل آن نظریه در دوران معاصر، توسط مارکس و فروید و نیز گفتمان عدلیه و غیر عدلیه در زمینه‌ی حسن و قبح عقلی و شرعی افعال از سابقه‌ی دیرین این مسأله حکایت دارند.

ارتباط دین و اخلاق در مغرب‌زمین در طی سالیان دچار

سکولار بینجامد. در اخلاق سکولار، مرجعیت و وثاقت هیچ منبعی، جز خود انسان پذیرفته نیست. عقل خود بنیاد بشر، مرجع نهایی ارزش گذاری اخلاقی است. اما در اخلاق دینی برای شناسایی آرمان‌ها و غایات بشر، به متون مقدس مراجعه می‌شود (۴).

ب- اخلاق و دین:

در بررسی مسأله‌ی مناسبات «دین و اخلاق» ابتدا باید این دو واژه را تعریف کرد، زیرا افرادی که در این موضوع بحث کرده‌اند گذشته از اختلاف مواضع، از دین و اخلاق معنای واحدی ارائه نمی‌کنند (۷).

هنگامی که کلمه‌ی دین را به کار می‌بریم مقصودمان مجموعه‌ای از تعالیم (نظری و عملی) است که حول محور قدسی شکل یافته‌اند. ویژگی اساسی این تعالیم، قدسی بودن آنهاست. گستره‌ی این تعالیم معمولاً شامل یک سلسله اعتقادات در باب جهان، انسان، مبدا و معاد و مجموعه‌ای از احکام و قوانین عملی و ارزش‌های اخلاقی است. اعتبار این تعالیم از منبع قدسی آنها سرچشمه می‌گیرد که همان واقعیت غایی، یا ذات الهی است.

اما «اخلاق» و «اخلاقی» استعمالات و معانی متعددی دارند، که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: (۱) اخلاق جمع خلق است به معنای صفات و ملکات نفسانی که می‌توانند خوب یا بد باشند. (۲) گاهی «اخلاقی» را به کار می‌بریم و مقصودمان افعالی هستند که متصف به خوب و یا بد می‌شوند. (۳) گاهی «اخلاقی» به معنای افعال صرفاً خوب است. تفاوت معنای دوم و سوم در این است که در معنای دوم نظر به کارهایی داریم که در حوزه‌ی اخلاق مورد ارزش گذاری مثبت یا منفی قرار می‌گیرند، ولی در معنای سوم تنها به کارهایی نظر داریم که مورد ارزش گذاری مثبت قرار می‌گیرند. (۴) گاهی مراد از «اخلاق» علم اخلاق است، یعنی علمی که در آن، از هنجارهای اخلاقی بحث می‌شود. (۵) گاهی مقصود از «اخلاقی» مباحث فلسفی مربوط به حوزه‌ی اخلاق است؛ مباحثی در مورد تحلیل مفاهیم اخلاقی، پیش فرض‌های

نوساناتی شده است. نقطه عطف مهم در تاریخ فرهنگی اجتماعی مغرب زمین رنسانس است. تا قبل از رنسانس، دین رایج، مسیحیت بود که بر همه‌ی شئون زندگی مردم از جمله علم، فرهنگ، سیاست، اجتماع و اخلاق حاکم بود اما با شکست کلیسا به جای گرایش به خدامحوری، گرایش به انسان‌مداری مطرح شد. کار به آن جا رسید که بعد از انکار الهیات و معارف دین احساس نیاز به نوعی دین شد و کسانی مانند اگوست کنت فرانسوی انسان‌پرستی و انسان‌مداری را اعلام کردند. به دنبال این تحول فکری و فرهنگی در تمام شاخه‌های معارف انسانی تحولات عظیمی پدید آمد که جهت واحدی نداشتند (۵). در واقع تنها در پنج قرن اخیر است که عملاً اخلاق سکولار به تدریج به جوامع انسانی راه یافته، اما بنیان‌های نظری اخلاق سکولار از یونان باستان وجود داشته است.

در جهان اسلام نیز رابطه‌ی دین و اخلاق و مشترکات و تمایزات فقه و اخلاق از جمله مباحثی بوده است که در اندیشه‌ی اسلامی سابقه دارد. هر پژوهشگری با اندک کنکاش در منابع اولیه اسلام، معنویت سالاری و اخلاق محوری را در تار و پود تعالیم آن آشکارا نظاره خواهد کرد (۶). نزاع اشاعره و معتزله در مباحث مربوط به «حسن و قبح شرعی و عقلی» بی‌ارتباط با این بحث نیست، گرچه حقیقت این است که دامنه‌ی این بحث بسیار وسیع‌تر از حسن و قبح شرعی و عقلی است.

واژه شناسی

الف - اخلاق دینی و اخلاق سکولار:

دو موضوع وجود دارد که علی‌رغم نزدیکی آنها به یکدیگر و داشتن مسائل مشترک فراوان، با یکدیگر اختلاف دارند. یکی موضوع ارتباط «دین و اخلاق» است و دیگری رابطه‌ی «اخلاق دینی» با «اخلاق سکولار» (یا «اخلاق لاهوتی» با «اخلاق ناسوتی» یا «اخلاق الهی» با «اخلاق انسانی»). در بحث «دین و اخلاق» از انواع ارتباط میان دین و اخلاق سخن گفته می‌شود که محصول آن می‌تواند به نفی یا اثبات اخلاق

پیروی از احکام اخلاقی دارند.

غایت‌های دین و اخلاق

هدف والای دین آن است که انسان را به سطح خود علوی و الهی برساند. بنابراین می‌توان غایت همه‌ی ادیان را در یک جمله خلاصه کرد که: «ادیان آمده‌اند تا انسان‌ها را از خودمحوری به حق‌محوری برسانند». ادیان آمده‌اند تا انسان‌ها را متحول کنند و تعالی بخشند و برای این کار، هم غایت را به آن‌ها معرفی می‌کنند و هم طریقه‌ی رسیدن به آن را (۴). در مورد غایات و اهداف اخلاق نظرات گوناگونی عرضه شده است. در این بررسی دو رویکرد اساسی وجود دارد:

۱- رویکرد محافظه‌کارانه یا ناظر به خوشایند

۲- رویکرد اصلاح‌طلب یا ناظر به مصلحت

طرفداران رویکرد اول غایت اخلاق را هم‌زیستی انسان‌ها با وضع نفسانی و روحانی خودشان می‌دانند. در این فرض باید ابتدا دید که انسان‌ها چه هستند. چه روحیاتی دارند، تمایلات و خواسته‌ها و خوشایند و ناخوشایند آن‌ها چیست و آن‌گاه متناسب با آن راهنمای عمل داد. اصول و دستورات اخلاقی در جهتی هستند که انسان‌ها بتوانند بیش‌ترین ارضا را برای بیش‌ترین خواسته‌هایشان به دست آورند. محافظه‌کاران نمی‌خواهند تحولی اساسی در روحیات و نفسانیات انسان‌ها پدید آید، بلکه هدف آن‌ها حفظ و رعایت مقتضیات همین روحیات و نفسانیاتی است که انسان‌ها بالفعل دارند. آرمان اخلاق ناظر به خوشایند، حصول بیش‌ترین همراهی و همزیستی میان انسان‌ها و تدبیر وضع آنان به نحوی است که دو اصل آزادی و عدالت تامین گردند. اهداف این اخلاق، اهدافی حداقلی هستند و به همین مقدار اکتفا می‌شود که جلو تعدی انسان‌ها به حقوق یکدیگر را بگیرد.

اما اخلاق اصلاح‌طلب، هیچ‌گاه به وضع موجود رضا نمی‌دهد و همواره به دنبال دستیابی به آرمان‌های بلند است. از نظر این اخلاق نباید انسان‌ها را فقط به ارضای تمایلات نفسانی‌شان دعوت کرد، بلکه اگر هم دعوتی در این زمینه وجود دارد، دعوتی فرعی و تبعی و به منظور دستیابی به

تصوری و تصدیقی اخلاق، بحث از قواعد کلی و اصلی اخلاق، بررسی نقش عقل، احساسات و عواطف و نیت در اخلاق، مسؤلیت اخلاقی و مانند آن (۶) معنای دیگری برای «اخلاق» وجود دارد که در برگیرنده‌ی بخشی از معانی پیشین است. هنگامی که از «نهاد اخلاقی زندگی» سخن می‌گوییم به چیزی در عرصه‌ی علم، هنر، حقوق، قراردادهای اجتماعی و سیاسی و حتی دین اشاره می‌کنیم. این معنا با معانی سه‌گانه اول نزدیکی دارد، اما از پاره‌ای جهات فراتر از آن‌هاست. در این جا احکام و قواعد اخلاقی شخصی دخالتی ندارند. اخلاق مانند زبان، کشور، دین و مذهب، پیش از اشخاص وجود دارد، پس از آن‌ها نیز ادامه خواهد داشت و نوعی استقلال از شخص در آن دیده می‌شود؛ بنابراین به نوعی اجتماعی است. اما نه به این معنا که بیانگر نظام حاکم بر ارتباطات افراد باشد، بلکه به این معنا که اصول و قواعد آن تا حدی به اجتماع تکیه دارد و در عین حال مستقل از فرد است. هنگامی که فرد با آن مواجه می‌شود، اخلاق به مثابه‌ی ابزاری در دست اجتماع است که خود را بر وی تحمیل می‌کند. جوامع، ارزش‌ها و هنجارهای خود را برای راهنمایی فرد به او تعلیم می‌دهند و گاهی تلقین می‌کنند. منظور از اخلاق در بررسی رابطه‌ی «دین و اخلاق» همین معنای ششم است (۴).

ج - مفهوم استنتاج «اخلاق از دین»:

در مفهوم «استنتاج اخلاق از دین» دو نوع ارتباط از بقیه مهم ترند که عبارتند از:

۱- ارتباط مبنایی و پشتوانه‌ای: در این نوع ارتباط می‌توان به غایات دین و اخلاق و نیازهای اخلاق به دین اشاره کرد. مثلا در این ارتباط به نقش اعتقادات دینی در ضمانت اجرایی دستورات اخلاقی تاکید می‌شود. با این تفسیر ارتباط اخلاق و دین، ارتباط مبنایی و پشتوانه‌ای است یعنی اخلاق و دین مستقل از همدیگرند و اعتقادات دینی به عنوان مبادی تصدیقی گزاره‌های اخلاقی شمرده می‌شوند. این نوع وابستگی اخلاق به دین، جنبه‌ی روان شناختی دارد و کسانی که به کیفر و پاداش اخروی معتقدند انگیزه‌ی بیش‌تری برای

هدفی والاتر است.

در ایضاح مفاهیم و مبادی تصویری اخلاق، با شکست مواجه شد. البته ادعا این نیست که همه‌ی مفاهیم اخلاقی نیازمند ایضاح مفهومی از سوی دین‌اند. اما در بسیاری از مفاهیم نیازمند دین‌اند (۴).

اگر دین را مجموعه‌ای از عقاید و احکام بدانیم که از سوی خالق هستی برای راهنمایی بشر به سعادت واقعی فرستاده شده است و اخلاق را بیانگر فضایل و رذایل واقعی بدانیم اخلاق بخشی از دین خواهد بود.

بر این مبنا رابطه‌ی دین و اخلاق رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه نخواهد بود. بلکه رابطه‌ی جزء و کل است. به تعبیر دیگر، رابطه‌ی اخلاق با دین رابطه‌ی ارگانیکی است مثل رابطه تنه و درخت. دین دارای ریشه، تنه، شاخه، برگ و میوه است. ریشه‌ی دین همان عقاید است، تنه‌اش اخلاق است و شاخ و برگ و میوه‌هایش احکام اند. پس تنه اگر صبغی دینی داشته باشد جزء خود درخت خواهد بود. با این نگرش رابطه‌ی بین آن دو رابطه‌ی اتحاد است، یعنی اتحاد یک جز با کل خودش (۸).

اگر سیر تکامل روحی و معنوی انسان را بی‌نهایت بدانیم اخلاق مراحل ابتدایی و حداکثر مراحل متوسط این سیر را تأمین می‌کند. اما دین علاوه بر آن که در مراحل ابتدایی و متوسط دخیل است، مراحل عالی این سیر را نیز فراهم می‌سازد و آن برترین و اصیل‌ترین عرفان است که بسی فراتر از اخلاق است.

ب - مبادی تصدیقی:

صدق گزاره‌های اخلاقی نظیر «راستگویی خوب است»، «باید راست گفت»، «دروغ‌گویی بد است» یا «نباید دروغ گفت» نیازمند تبیین و دلیلند. دین در این ناحیه نیز پشتوانه و ممد اخلاق و تبیین‌گر صدق این گزاره‌هاست.

البته برخلاف نظر اشاعره مقصود این نیست که چون خداگفته است «راستگویی خوب است» یا «باید راست گفت» پس راستگویی خوب است، بلکه مراد آن است که دین با ارائه کمال مطلوب و بالذات (در اسلام خداوند) معیار و

این اخلاق می‌خواهد فضایل جدیدی را در انسان‌ها به وجود آورد. در این جا خوشایند و ناخوشایند انسان‌ها مورد توجه نیستند، بلکه آنچه مورد توجه است، مصالح آن‌هاست. توصیه‌های اخلاقی و احکام ارزشی بر این اساس صورت می‌گیرند که انسان‌ها را تعالی بخشند. اخلاق اصلاح طلب، برخلاف اخلاق محافظه کار، ذاتا دموکرات نیست.

حال با این تعریف می‌توان اختلاف و اشتراک اهداف دین و اخلاق را بررسی کرد. اهداف اخلاق محافظه کار، که به طور قطع نوعی اخلاق سکولار است، با اهداف تعالی بخش دین سازگار نیست.

اما اخلاق ناظر به مصلحت می‌تواند همان اهدافی را دنبال کند که دین دنبال می‌کند. هر دو می‌خواهند انسان‌ها را تعالی بخشند. برای هر دو وضع موجود انسان ارضاکنده نیست. هر دو می‌خواهند انسان را از خودخواهی و خودمحوری نجات داده و حقیقت را محور رفتار و کردار او قرار دهند.

نیازهای اخلاق به دین در مقام ثبوت

الف - مبادی تصویری یا ایضاح مفهومی:

از آن جایی که افعال آدمی علت رسیدن به نتایج مطلوب انسانی‌اند، پس برای رسیدن به اهداف مطلوب باید افعال خاصی انجام داد. با توجه به اینکه هدف نهایی و کمال مطلوب آدمی قرب الهی می‌باشد پس اعتقاد به خداوند متعال و سیر به سمت او از لوازم لاینفک اخلاق مطلوب است.

از طرفی عقل بشر از همه‌ی ریزه کاری های نفس خود و نظام هستی مطلع نیست و به جز اصول کلی اخلاق، در موارد دیگر به وحی نیازمند است. مثلا مفاهیم اخلاقی مانند خوب، بد، باید و نباید و نظایر آن علی‌رغم وضوح ابتدایی، ابهامات بسیاری دارند. گرچه عقل و وجدان انسان به‌طور مستقل می‌توانند معنای خوب و بد و بعضی مصادیق آن را (مستقلات عقلیه) درک کنند اما درک دقیق و کامل این مفاهیم در بسیاری موارد نیازمند وحی است. لذا تلاش کسانی هم‌چون اوئینگ - فیلسوف انگلیسی - در انکار نیاز اخلاق به دین و

اخلاقی و اجتناب از کارهای ضد اخلاقی نیازمند تشویق و یا تنبیه است و دین بهترین وعده‌ها و بدترین وعیدها را به انسان عرضه می‌دارد. علاوه بر این، برای برخی از کارهای اخلاقی بسیار بزرگ (مثبت یا منفی) نمی‌توان پاداش یا کیفر مناسب و درخور تعیین کرد. مثلاً ایثار کسی که از همه چیز خود در دنیا گذشته و حتی جان خود را نثار کرده است یقیناً مصداق برترین کارهای اخلاقی است. دین با ارائه آخرت و قیامت که امکان چنین پاداش و کیفری را فراهم می‌سازد، انگیزه‌ی عمل اخلاقی و انصراف از عمل ضد اخلاقی در این حد را ایجاد می‌کند (۹).

ب- با طراوت کردن روح اخلاق:

اخلاق برای آن که پویا و با طراوت باشد نیازمند نگرشی متعالی و فوق طبیعی است. صرف انجام کار اخلاقی از آن جهت که اخلاقی است برای رشد و کمال کافی نیست. کار حق را باید با نیت حق انجام داد. انگیزه‌ی متعالی و حق در سایه‌ی دین حاصل می‌گردد. برترین شکل چنین توجهی در قالب ادیان الهی و برترین آن ادیان، یعنی اسلام متحقق است.

۲- ارتباط محتوایی و گزاره‌ای:

این ارتباط دین و اخلاق از لحاظ منطقی و نظری است و دیدگاه عملی و تاریخی مورد نظر نیست. اختلاف اشاعره و معتزله نیز در این ارتباط است.

منظور از این دیدگاه آن است که خواست‌های دین همان قوانین اخلاقی‌اند و با صرف نظر از دین، اخلاق به عنوان مجموعه‌ی گفتارهای مشتمل بر باید و نباید و خوب و بد تحقق نخواهد یافت (۱۰). این تئوری به دو صورت مطرح شده است:

الف- نوع اول: در این تئوری، دین می‌تواند بدون هیچ محدودیتی، از مردم هر چیزی را درخواست کند. در این تئوری اگر دین چیزی را بخواهد، صرف خواست دین برای خوب بودن آن کار کفایت می‌کند و به عبارتی دیگر خوب بودن یک چیز نتیجه‌ی مستقیم «درخواست دین بودن» آن است (۹). خواست دین علت خوبی‌هاست نه معلول آن. در

ملاک خوب و بد و باید و نباید را در اختیار می‌گذارد. هرکاری که انسان را به کمال مطلوب و بالذات نزدیک کند خوب و بایسته است، و هرچه او را از این کمال دور سازد بد و ناشایست می‌شود.

نیاز اخلاق به دین از آن روست که هیچ فعل اختیاری و آگاهانه انسان بدون غایت نیست و نمی‌تواند باشد. کارهای اخلاقی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. از سوی دیگر، ارزش اخلاقی کارها وابسته به ارزش غایات آن‌هاست. هرچه این غایات ارزشمندتر باشند ارزش اخلاقی آن‌ها بیش‌تر خواهد بود. در میان غایات نیز آن‌غایتی که مطلوب بالذات حقیقی و پایدار است ارزشمندترین غایت است و سایر غایات ارزش خود را وامدار اویند. بنابراین لذت، قدرت، علم، ثروت و نظایر آن هیچ یک نمی‌توانند غایت و کمال مطلوب بالذات، پایدار و حقیقی باشند بلکه غایاتی متوسط اند که هر یک ارزش مناسب خود را دارند. غایت و کمال مطلوب، خداوند است که دین به انسان ارائه می‌کند.

نیاز اخلاق به دین در مقام اثبات

الف - ضمانت اجرا و پاداش و کیفر: روشن است که اخلاق برای عمل کردن است و تا مورد عمل قرار نگیرد تاثیری در زندگی فردی و اجتماعی نخواهد داشت. برخلاف نظر سقراط، شناخت صواب و خطا، خوب و بد، باید و نباید برای وادارساختن انسان به عمل کافی نیست. افلاطون و ارسطو به حق در این باره با سقراط مخالف بودند و یکی از وجوه ضعف نظام اخلاقی سقراط را همین امر می‌دانستند. زیرا سقراط به وجود امیال گوناگون در وجود انسان توجه نکرده بود (۴).

انسان، خصوصاً در ابتدای راه، نیازمند آن است که با ابزار گوناگون مورد تشویق یا تحذیر قرار گیرد. درست مانند کودکی که در ابتدا برای آن که خوب درس بخواند به او وعده‌ی جایزه می‌دهند. اما بعدها به تدریج خود به فایده علم و درس پی برده، نیازی به این‌گونه تشویق‌ها و تنبیه‌ها ندارد. اخلاق نیز همین‌گونه است و انسان برای انجام کارهای

نتیجه گیری

نظریه‌ی «استنتاج اخلاق از دین» یا «نظریه فرمان الهی» را می‌توان از ابعاد مختلف بررسی کرد. نیاز اخلاق به دین به صورت مبنایی و گزاره‌ای مطرح شده است. در ارتباط مبنایی، غایات مشترکی میان دین و اخلاق مطرح هستند. اهداف مشترک باعث پشتیبانی و تأیید این دو پدیده نسبت به یکدیگر می‌شوند. نیاز اخلاق به دین از دو منظر ثبوتی و اثباتی قابل تامل است. اخلاق مبتنی بر عقل غیر از حوزه‌ی مستقلات عقلیه نیازمند راهنمایی دین است تا فقر ذاتی خویش را در ادراک مفاهیم واقعی اخلاق جبران کند. تأیید دین بر مفاهیم منتج از اخلاق عرفی نوعی ضمانت اجرائی است که با وعده و وعیده‌های دین کامل شده، تحقق اجتماعی می‌یابد. از دیدگاه گزاره‌ای میان متکلمان اسلامی (اشاعره و معتزله) اختلاف نظر است. اشاعره معتقدند که اتصاف افعال به خوب و بد تابع امر و نهی شارع است اما معتزله معتقدند که احکام شرعی تابع ملاک‌های واقعی اخلاقی اند اما هر دو نیاز اخلاق به دین را می‌پذیرند.

میان متکلمین اسلامی، اشاعره معتقدند که افعال حسن و قبح عقلی ندارند و اتصاف آن‌ها به خوب و بد تابع امر و نهی شارع است (۷)؛ یعنی حسن و قبح اعمال ذاتی نیست. لازمه‌ی این عقیده آن است که آنچه را تاکنون بد و ناپسند می‌شماریم، اگر به امر الهی باشد خوب و پسندیده می‌شود مثلاً اگر روزی دین به دروغ‌گویی امر کند، دروغ‌گویی خوب خواهد بود (۱۱). یعنی احکام شرعی تابع ملاک‌های (مصلح و مفاسد) واقعی و نفس‌الامری نیست (۱۲).

ب- نوع دوم: بر این فرض، خواست دین به تنهایی سبب ذاتی شدن خوبی در افعال نمی‌شود بلکه مبنای دین بر این است که افعال خوب را درخواست کند (۹). به عبارتی دیگر، بعضی افعال در نفس الامر و واقع دارای جهت حسن و قبح می‌باشند و احکام شرعی تابع ملاک‌های واقعی هستند که فلسفه احکام شرعی‌اند (۱۲).

در واقع، این دو تئوری همان نظرات اشاعره و معتزله در میان متکلمین اسلامی است. امامیه و معتزله از طرفداران جدی حسن و قبح عقلی‌اند. پیشوایان کلام امامیه، ائمه علیهم السلام می‌باشند که اعتبار و حجیت عقل را در مسائل نظری و عملی به رسمیت شناخته‌اند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «و عرفوا به الحسن من القبیح» مردم با عقل حسن و قبح را از هم تمیز دادند. امام کاظم علیه‌السلام نیز از عقل در کنار وحی به عنوان حجت الهی نام برده‌اند و عقل را حجت درونی و شرع را حجت بیرونی تعبیر فرموده‌اند (۱۳).

در اعتقاد شیعه مستقلات عقلیه در کنار وحی به عنوان منابع استخراج اخلاق پذیرفته شده‌اند. عقل عرفی به علت نقص ذاتی خطاپذیر است اما در موارد مستقلات عقلیه دارای حجیت است. این موارد وجدانی بوده، مورد توافق همه انسان‌ها هستند ولی دامنه‌ی آن‌ها محدود است. معمولاً آنچه به عنوان عقل مطرح می‌شود حکم عقل عرفی است که خطاپذیر است لذا گزاره‌های دینی در صورتی که با مستقلات عقلیه مخالفتی نکنند بر گزاره‌های عقل عرفی ارجح اند.

منابع

۸. مصباح یزدی م ت. دین و اخلاق، (۱۳۸۷).
URL: <http://www.imamjawad.net/htm/far/library/akhlagh/falsafeh/akhlagh/ghalamro.htm>.
- 9- Sandra LF. Ethics and Religion, (2008). URL: <http://instruct.westvalley.edu/lafave/religion.htm>.
10. Anonymous. Religion and Ethics, (2008). URL: <http://www.porsojoo.com/fa/article>.
۱۱. فتحعلی خانی م. رابطه دین و اخلاق، (۱۳۸۷).
URL: www.tebyan-hamedan.ir/andishe/archives.
۱۲. ربانی گلپایگانی ع. حسن و قبح عقلی، (۱۳۸۷).
URL: http://w3.qomicis.com/farsi/Library/kalam_tatbighi/hosngobh.htm.
۱۳. کلینی م ی، اصول کافی. ترجمه‌ی: مصطفوی س ج. تهران: موسسه الوفاء، ۱۳۸۲؛ جلد ۱، حدیث ۳۵ و ۱۲.
۱. نوری م. مستدرک الوسائل. قم: موسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ق؛ جلد ۲، صفحه ۲۸۲.
2. Levy R. The Social Structure of Islam. England: Cambridge University Press, 2002; p. 192.
3. Parrinder, G. Comparative Religion. England: Sheldon Press, 1977; p. 24.
۴. صادقی ه، معلمی ح، فتحعلی م. اقتراح دین و اخلاق، (۱۳۸۷).
URL: <http://www.imamjawad.net/htm/far/library/akhlagh/falsafeh/akhlagh/eghterah.htm>.
۵. سبحانی ج. رابطه اخلاق و دین، (۱۳۸۷).
URL: <http://www.pasokhgoo.ir/fa/node/1435>.
۶. علم الهدی ع ر. اخلاق اصلی ترین درد انسان، (۱۳۸۷).
URL: <http://www.abna.ir/data.asp>.
۷. سید قریشی م. دین و اخلاق. قم: بضعه الرسول، ۱۳۸۱؛ صفحه ۲۳، ۳.